

همیشه‌ها

صفحه آخر
تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد
وجود نازکت آزرده گزند مباد
حافظ

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۶۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۳۳۰۰۰ ■ فاکس: ۰۲۱-۲۳۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۰۲۱-۷۵۰۰۰۰۰
■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزتوین
■ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

■ پذیرش آگهی: ۰۲۱-۸۴۳۲۱۰۰۰
■ تلفن: ۰۲۱-۸۴۳۲۱۰۰۰

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ بر زبان مؤمن نوری (الهی) است و در خشان و بر زبان منافق شیطانی است که سخن می‌گوید.
■ اذان ظهر: ۱۳:۰۶ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۴۲
■ اذان مغرب: ۲۰:۰۰ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۴
■ اذان صبح: ۵:۰۳ ■ طلوع آفتاب: ۰۶:۳۲

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

پنجشنبه
با نگاه نویسندهگان

حقوق حیوان، حقوق انسان

سیدمحمد رضا احدی
کارشناس فرهنگی



خانمی در صفحه مجازی اش نوشته بود: وقت آزمایشگاه داشتم و تا نوبتم بشود، روی نیمکتی در پارک کنار آزمایشگاه نشستم و سرگرم گوشی شدم. در حال خودم بودم که ناگهان احساس کردم سگی بسیار بزرگ به من نزدیک شد و کفشم را بو کشید. ترسیدم و بی‌اختیار فریاد زدم. زنی که صاحب سگ بود با ناراحتی و فحاشی سرم داد زد که سگم را ترساندی. مگر شعر نداری که سگ زبان بسته را می‌ترسانی؟ گفتم: سگ شما ناگهان به من نزدیک شد و من را ترساند، حالا من بدهکار شدم؟ آن خانم طلبکارانه توهینش را بیشتر کرد و حتی به پوشش مجنتی و تیپ ظاهری‌ام جسارت کرد و گفت: می‌خواهی همین سگ را به جانی بیندازم تا تکه پاره‌ات کند؟ این بود که من از ترس اینکه واقعا سگم را به جانی بیندازد ساکت شدم و هیچ نگفتم تا ترش کم شود.

عده‌ای از روی علاقه شخصی و انس با حیوانات است که سگ و گربه‌نگه‌می دارند و البته آزاری هم برای کسی ندارند. اینها در زمان خلوتی کوچک و خیابان‌سگ‌شان را به پیاده‌روی می‌برند و در عین حال مراقب حال مردم هستند. درباره این دسته صرف‌نظر از بحث شرعی نگهداری سگ و نجاست و طهارت محیط زندگی، خیلی حرفی ندارم. عده‌ای دیگر به تقلید از فرهنگ غربی سگ نگه‌می دارند و سگ داشتن را نشانه کلاس و تمدن و تفاوت با دیگران می‌دانند. اینها به انگیزه تفاخر سگ‌ها را با خود راه می‌اندازند تا این و آن ببینند و انگار سگ داشتن را یک امتیاز می‌دانند. خیلی از این جماعت اصلا رعایت حقوق مردم را هم نمی‌کنند. سگ‌شان در آپارتمان سر و صدای می‌اندازد و همسایه‌ها را می‌آزارد و هنگام پیاده‌روی و راه رفتن روزانه در کوچه و خیابان به مردم نزدیک می‌شود و آنها را می‌ترساند و حتی بهلباس شان را آلوده می‌کند.

اینها اصلا برای شان اهمیتی ندارد و اگر کسی هم به سگ‌شان حرفی بزند آزرده می‌شوند و به او پرخاش می‌کنند. گویا این دسته از افراد حقوق سگی را از حقوق انسانی بالاتر و مهم‌تر می‌دانند و برای رفاه سگ‌شان حاضرند هر کاری بکنند و حتی اگر کسی به سگ‌شان گفت بالای چشم‌ت ابرو، شکم‌ت را بزنند. اینها برای سگ‌شان شرافت و ارزش و امتیازی قائل هستند که برای هیچ انسانی قائل نیستند. اینها خطاب به کسانی که معتقد به نجاست سگ هستند می‌گویند شما نجس هستید و چرا این حیوان وفادار باید نجس باشد و آن وقت با کلی سفسطه و فلسفه‌هایی احکام دین را هم زیر سؤال می‌برند. واقعا نمی‌فهمم اگر قرار باشد ما داعیه روشنفکری و علاقه به تقلید از زندگی غربی داشته باشیم، آیا باید از توسعه و تمدن غربی که عاشقش هستیم فقط سگ‌ن را بشناسیم و فقط به سگ‌داری عمل کنیم؟ چرا فرهنگ رعایت حال همسایه و حقوق انسان را از آنها یاد نمی‌گیریم؟ کاش همین سگ‌داری را هم از آنها یاد می‌گرفتیم نه اینکه فقط بز و افادهاش را داشته باشیم. کاش اگر هم می‌خواهیم سگ نگه‌داریم، فرهنگ سگ داشتن را هم از آنها یاد می‌گرفتیم و رعایت می‌کردیم. بسیاری از دوستان ساکن در کشورهای غربی می‌گویند که اگر سنگی هنگام پیاده‌روی در اماکن عمومی مثل پارک‌ها یا معابر مدفوع بکنند، صاحب سگ موظف است فله‌شان را جمع کند و گرنه مالیه بالایی جریمه می‌شود. مثلاً در کانادا ۷۰۰ دلار کتادار برای این کار جریمه در نظر گرفته شده‌است. در مترو و اتوبوس و تاکسی باید سگ را با جعبه‌های مخصوص حمل و نقل حیوانات خانگی جابه‌جا کنند که مزاحمتی برای مردم ایجاد نشود. آنها اصالت را به انسان می‌دهند و با اینکه سگ عضوی از زندگی آنهاست، مثل خیلی از ماها سگ‌زده نیستند و به بهانه حقوق حیوانات یا عاطفه‌رزی برای سگ‌ها تعرض به حقوق شهروندی رانمی‌پذیرند. اما سگ داران و سگ بازان ما سگ‌شان را بر دیگران حتی انسان‌ها ترجیح می‌دهند. اعتراض مردم ما هم به این رفتارهاست و گرنه به ما ربطی ندارد که کسی در خانه‌اش حیوانی نگه‌می‌دارد یا نه. ما هم با نگهداری حیوانات مخالمفیم وظیفه نداریم کسی را به زور یا خود همراه کنیم و فقط می‌توانیم از معایب و مضرات این کار و شرایط بهداشتی یا شرعی آن برای مردم بگوییم. حالا اگر کسی باز هم مایل بود سگ یا هر حیوان دیگری داشته باشد، دیگر خود داند اما باید اصول و چارچوب‌های لازم را رعایت کند و به حقوق و امنیت و آسایش شهروندان خللی وارد نکند.

فوتبال یعنی عشق



جواد نصرتی

فاصله داشت که تیم میهمان، در دقیقه ۹۲ گل برتری را زد. از گل اوتساین، دروازه‌بان تیم میزبان، از سر استیصال و ناراحتی بعد از زمین، نای بلند شدن نداشت، که یک هوادار جوان، به درون زمین پرید، خودش را به او ناساین رسید و دستش را گرفت و بلندش کرد. ممنون هوادار جوان که یادمان آوردی فوتبال واقعا چیست.

که رنگ خاکی‌اش هم چشم‌نواز است، قتلگه دوستی و محبت است. اما فراموشمان می‌شود، و گاهی نیاز داریم به یادمان بیاورند که فوتبال فراتر از اینهاست. تیم دیفنسا خوستسای آرتانتین، در خانه میزبان تیم بزرگ بوکا جونیورز بود و تنها چند ثانیه با کسب یک امتیاز از یک مساوی ارزشمند

و هیاهو و خشم و نفرت و شوق و حرارت بی‌پایان دنیای جذاب فوتبال، گاهی از یاد ما می‌برد که اصلا این بازی برای چیست. هیچ‌کس هیچ کجا نمی‌گوید که فوتبال غصه‌ای برای دشمنی است، هیچ‌کس هیچ کجای دنیا قبول ندارد که آن زمین سبز خوش‌رنگ،

اول آخر



آخرین جولان‌های تابستانی ■ عکس: همشهری / امیر رستمی

دیالوگ

ستاره بود

فریدون جبرانی
+ مردم منسو می‌دیدن می‌گفتن مخش تکون خورده، ولی من به مامانم می‌گفتم من دلم تکون خورده نه مخم. مادرم می‌گفت: گور بابای مخ، تو دلت قد صدتا مخ می‌آرز، به خدا گفتم، به همین زمین قسم گفتم.
- مادرت نرسید عاشق کی شدی؟ نرسید آسمش چی؟
+ مادرا که از آدم چیزی نمی‌پرسن، همه چیو خودشون می‌دونن.

بوک مارک

موزه معصومیت

اورهان یاموک
در رختخواب دراز کشیده بودم. پادم آمد که مادر بزرگم بعد از فوت پدر بزرگ برای اینکه خاطراتش را فراموش نکند اتاقش را عوض کرده بود. تمام ارادهم را به کار گرفتم تا به خود بقبولانم که باید برای فرار از خاطراتم از این اتاق و این اشیای قدیمی دل بکنم. چیزی درونم ندا می‌داد که کاملا برعکس عمل کنم و بیشتر به سمت اشیای کشیده شوم. یا من نسبت به مادر بزرگم خیلی ضعیف بودم یا اینکه این اشیای تسلی‌خاطری برای من بود و نمی‌توانستم از آن‌ها دل بکنم.

آخر مصور



■ هواکم است / اثر: آفرودیمارتینیرا هنراندز

گر بنویسج

عذرخواهی نخست‌وزیر



ترکش‌های مهمانی جنجالی نخست‌وزیر فنلاند، همچنان در پرواز است و خانم رئیس، این بار به‌خاطر عکس نامناسب میهمانانش معذرت‌خواهی کرده‌است. یک نفر از میهمانان خانم سانا مارین، در اقامتگاه رسمی رئیس دولت فنلاند عکسی کاملاً نامناسب گرفته و انتشار آن، جامعه فنلاند را شوکه کرده‌است. این مهمانی عجیب، ابتدای تابستان برگزار شده و عکس‌های آن اخیراً منتشر شده‌است. عکس‌ها چنان تکان‌دهنده هستند که نخست‌وزیر فنلاند، بعد از انتشار آنها به‌صورت داوطلبانه تست مواد مخدر داد تا ثابت کند پاک است. مهمانی در حالی گرفته شده که فنلاند درگیر بیوستن به ناتو است و به‌شدت نگران جنگ همسایه‌اش روسیه، با او کراکن است.

حبس در تونل زیر دریایی



تونل کانال، که انگلیس و فرانسه را از زیر دریا به هم متصل می‌کند، یکی از امن‌ترین مسیرهای ارتباطی دنیا خوانده می‌شود. با این حال، همین مسیر امن هم می‌تواند ترسناک باشد. خرابی یک قطار در این تونل، باعث سرگردانی و وحشت ده‌ها مسافر می‌شد که از فرانسه به انگلیس می‌رفتند و ساعات نفس‌گیری را برای آنها رقم زد. دلیل این سرگردانی، خرابی یکی از ترن‌ها بود. مسافران بعد از ۵ ساعت نفس‌گیری، با یک قطار دیگر به ایستگاه منتقل شدند. با این حال از اینکه ساعت‌ها، در فضایی مثل فضای فیلم‌های ترسناک سرگردان بوده‌اند به‌شدت گله‌مند هستند. آنها گفته‌اند برخی از زنان گریه می‌کردند و چند نفر از شدت ترس غش کردند.

گنج‌واژه

جاگرما و سوزان است. مانند زمستان که زم در فارسی باستان به‌معنای سرد است و به‌معنای زمانی سرد و بی‌آفتاب است. در واژه زمین نیز ۲ بخش زم و این دارد که به‌معنای محلی است که سرد یا زمهریر شده‌است. اما مگر می‌شود آفتاب را از تابستان دریغ کرد و چه غافلیم از اینکه این ۲ واژه هر چه باشد تاب مشترکی دارد. تاب آفتاب همان تب و گرمای سوزان است و پسوند اولیه اف در زبان پارسی باستان به‌معنای بر بلندای چیزی است. پس آفتاب، گرمای سوزانی است بر بالای هر چیزی. اما مگر می‌شود در تابستان داغ، تب نکرد و گر گرفت. تبی که عرق ریزانمان می‌کند نیز ریشه در تاب دارد که به شکل امروزی تب درآمده‌است. تاقتن نیز ریشه‌اش از تب یا تفت است. واژه تب، تاب یا تفت را در زبان‌های هند و اروپایی نیز می‌بینیم. در زبان‌های لاتین هم کلماتی با ریشه تب هنوز مورد استفاده است. برای مثال در زبان‌های اسلاوی تب به کسرت به‌معنای گرم‌است.

جهان نما

مزارع بامی در اروپا

مهتاب خورشوهای

خبر کوتاه است و جالب. «بروکسل» در حال پرورش میوه‌ها و سبزیجات روی پشت‌بام سوپرمارکت‌هاست! در این طرح که بخشی از برنامه به اجرا درآمده توسط اتحادیه اروپا، بیش از ۶۰ گونه گیاهی در باغ پشت‌بام یک سوپرمارکت در شهر بروکسل کاشته شده‌است. این طرح که «لاگوم» نام دارد، ایده‌ای برای بررسی امکان ایجاد باغ شهری است. از ماه مارس ۲۰۲۲ (اسفند- فروردین) بیش از ۲ تن میوه از این باغ شهری برداشت شده‌است. پژوهشگران آزمایشگاه آگروکولوژی دانشگاه ریچی به یورونیوز: «تمرکز ما بر بخش زراعی گیاهان است. اما به چند کارکردی این طرح نیز توجه داریم. بنابراین علاوه بر تمرکز بر تولید، آموزش، آگاهی و انسجام و هماهنگی در تولید همگانی و فرهنگ‌سازی نیز در این برنامه مدنظر قرار گرفته‌است» او اضافه می‌کند: «هدف این طرح، آموزش و مشارکت مردم محلی در کل فرایند کاشت و برداشت محصولات است. امیدواریم با اجرای این طرح علاوه بر کمک به شرایط زیست‌محیطی، زندگی مردم محروم نیز بهبود پیدا کند»

به عقیده طراحان این برنامه، استفاده از تولیدات این سوپرمارکت نوعی هماهنگی و همراهی اجتماعی است. برای مثال یکی از رستوران‌ها با نام Refresh، از گیاهان این سوپرمارکت برای تهیه خوراکی‌های خود استفاده می‌کند. امسا به گفته «نوروز اوتال»، نماینده نوسازی شهر بروکسل، تولیدات این سوپرمارکت بین مردم نیز توزیع می‌شود تا آنها در آشنایی روزانه از این تولیدات بهره‌مند شوند. مرحله آزمایشی این طرح، ۲، ۳ سال دیگر طول خواهد کشید و در صورت موفقیت این طرح، پشت‌بام‌های دیگر شهرهای اروپا نیز می‌توانند میزبان باغ شهری یا طرح لاگوم یا لگوم باشند. طراحان این پروژه، این طرح را راهکاری برای حفظ سلامت محیط زیست و اشتغال‌زایی برای افراد کم‌درآمد امثال انگلند و زیباسازی فضاهای شهری می‌دانند. اگرچه کشورهای اروپایی از فضاهای شهری سبز مانند پارک‌ها و... بسیاری بر خوردارند، اما این طرح نیز می‌تواند هر منطقه را به فضای سبزتر و البته با درآمد اقتصادی تبدیل کند.

